

۱۵۷۳۷۷



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

موضوع:

**بررسی میزان تأثیر هویت قومی بر مشارکت سیاسی  
مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید رحیم ابوالحسنی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حمید احمدی

نگارش:

محمد ربانی

کتابخانه مرکزی  
تاسیسات مدرن کتابخانه

۱۳۸۹/۹/۱۴

مهر ۱۳۸۹

۱۴۷۳۷۷



جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۴  
پیوست \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

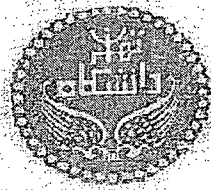
اینجانب <sup>د</sup>محمد رسولی<sup>د</sup> متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف ( در هر زمان ) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .  
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء محمد رسولی

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی علوم سیاسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: محمد ربانی

در رشته : علوم سیاسی گرایش : جامعه شناسی سیاسی

با عنوان : بررسی تاثیر هویت قومی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران

را در تاریخ : ۸۹/۰۷/۱۴

به عدد	به حروف
۱۹/۵	نوزده و پنج

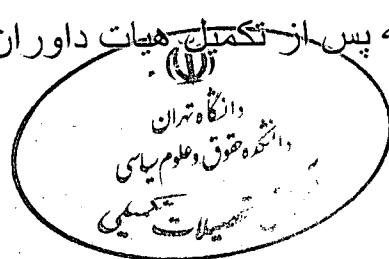
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم ( حسب مورد ):	دکتر سید رحیم ابوالحسنی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور ( یا استاد مشاور دوم )	دکتر احمد خالقی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



## چکیده

تحولات عمیق در عرصه ی ارتباطات در چارچوب فرآیند جهانی شدن ، هویت‌های ملی را تحت تأثیر قرار داده است و موجب تقویت هویت‌های فراملی از یک سو و هویت‌های محلی و قومی از سوی دیگر شده است.

باید دانست که هویت ملی امروزه به ویژه در جوامع چند قومی به واقع متشکل از مولفه های هویت‌های همه اقوام آن سرزمین است و نادیده انگاشتن هویت‌های قومی و نگرش سیاسی ایشان در مسائل گوناگون به عدم مدیریت صحیح نسبت‌های میان اقوام در سیاست‌گذاری‌های کلان منجر می شود که این امر به نوبه ی خود می تواند جامعه را به سوی بحران هایی تا سر حد تجزیه کشور پیش ببرد.

وجود چنین احتمالی بررسی پیرامون محتوا و اصالت هویت‌های قومی و میزان تأثیر آنها را بر چگونگی مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی ضروری می سازد.

در این پژوهش به میزان این تأثیر در محدوده ی دانشجویان دانشگاه تهران می پردازیم و در این مسیر شدت و عمق نفوذ گونه های متفاوت هویت جمعی اعم از هویت ملی و هویت دینی را نیز در کنار هویت قومی خواهیم سنجید و نشان خواهیم داد که هویت‌های جمعی و بویژه هویت قومی چگونه بر مولفه های گوناگون مشارکت سیاسی تأثیر می گذارد.

تقدیم به :

بهترین غم عالم :

شیرین شکنجه‌ام:

که در انتظار یک نغمه بهاریش بی تاب مانده‌ام ...

با دستهایی که چون شافساران فزانی تهیست!

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۲	پرسش آغازین.....
۲	فرضیه اصلی.....
۲	فرضیه رقیب.....
۲	فصل بندی تحقیق.....
۳	مشکلات پژوهش.....
۴	<b>فصل اول: ادبیات موضوع و چارچوب نظری.....</b>
۴	پیشینه پژوهش.....
۶	۱- پژوهش های پیمایشی.....
۱۵	۲- پژوهش های اسنادی- تحلیلی.....
۲۹	تعریف مفاهیم و چارچوب نظری.....
۲۹	قومیت و هویت.....
۳۵	مشارکت سیاسی.....
۳۷	رابطه میان هویت جمعی و مشارکت سیاسی.....
۴۳	<b>فصل دوم: ساختار مفهومی روش تحقیق.....</b>
۴۳	ابزار گرد آوری داده ها.....
۴۳	روش نمونه گیری و حجم نمونه.....
۴۵	پایایی پرسشنامه تحقیق.....
۴۶	توصیف و توضیح پرسشنامه.....
۴۸	<b>فصل سوم: تحلیل داده ها.....</b>
۴۸	۱- توصیف جمعیت شناختی پاسخ دهندگان.....
۴۸	۱-۱- توزیع پاسخ دهندگان از نظر جنسیت.....
۴۹	۱-۲- توزیع سنی پاسخ دهندگان.....
۵۰	۱-۳- توزیع پاسخ دهندگان از نظر وضعیت مقطع تحصیلی.....
۵۱	۱-۴- توزیع پاسخ دهندگان از نظر گرایش ورشته تحصیلی.....
۵۲	۱-۵- توزیع قومیتی پاسخ دهندگان.....
۵۳	۲- سطح مشارکت سیاسی.....
۵۶	۳. الگوی مشارکت سیاسی.....
۵۸	۴. عوامل مشارکت در انتخابات.....
۵۹	۵. سرمایه اجتماعی.....
۶۱	۶. جهت گیری سیاسی.....
۶۱	۷. الگوی توزیع تقاضا.....

۶۲	۸. منابع کسب اطلاع.....
۶۳	۹. سنجش هویت قومی، ملی و مذهبی.....
۶۴	۹-۱- پرسش از زبان مادری و گویشهای محلی.....
۶۶	۹-۲- گرایش به استفاده از نمادهای قومی و محلی.....
۶۷	۹-۳- آگاهی و تعلق به تاریخ و جغرافیای مشترک.....
۶۸	۹-۴- تعلقات فرهنگی.....
۶۹	۹-۵- مراسم و آیین ها.....
۷۰	۹-۶- موسیقی.....
۷۱	۹-۷- تعلقات اجتماعی.....
۷۱	۹-۸- ساختار سیاسی.....
۷۲	برآیند پاسخها.....
۷۳	آنالیز ارتباط و تاثیر متغیرها.....
۷۴	بخش اول- بررسی میزان تأثیر مؤلفه های جمعیت شناختی بر هویت.....
۸۱	جمع بندی.....
۸۱	بخش دوم: بررسی میزان تأثیر احساس تعلق به هویت های گوناگون بر مؤلفه های مشارکت سیاسی.....
۹۱	بخش سوم: بررسی میزان تأثیر سطح و گرایش تحصیلی بر مؤلفه های مشارکت سیاسی.....
۹۱	۱- سطح تحصیلات و مؤلفه های مشارکت سیاسی.....
۹۱	۱-۱- سطح تحصیلات و سطح مشارکت سیاسی.....
۹۱	۱-۲- سطح تحصیلات و الگوی مشارکت سیاسی.....
۹۲	۱-۳- سطح تحصیلات و سرمایه اجتماعی نظام سیاسی.....
۹۳	۱-۴- سطح تحصیلات و عوامل مشارکت سیاسی.....
۹۴	۱-۵- سطح تحصیلات و جهت گیری سیاسی.....
۹۴	۱-۶- سطح تحصیلات و الگوی توزیع تقاضا.....
۹۵	۱-۷- سطح تحصیلات و منابع کسب خبر و اطلاعات.....
۹۶	۲- گرایش تحصیلی و مؤلفه های مشارکت سیاسی.....
۹۶	۲-۱- گرایش تحصیلی و سطح مشارکت سیاسی.....
۹۷	۲-۲- گرایش تحصیلی و الگوی مشارکت سیاسی.....
۹۸	۲-۳- گرایش تحصیلی و سرمایه اجتماعی نظام سیاسی.....
۹۸	۲-۴- گرایش تحصیلی و عوامل مشارکت سیاسی.....
۹۹	۲-۵- گرایش تحصیلی و جهت گیری سیاسی.....
۱۰۰	۱-۶- گرایش تحصیلی و الگوی توزیع تقاضا.....
۱۰۰	۱-۷- گرایش تحصیلی و منابع کسب خبر و اطلاعات.....
۱۰۲	فصل چهارم: جمع بندی یافته ها و نتیجه گیری.....
۱۰۷	پیوست ها.....
۱۱۴	فهرست منابع.....



## مقدمه

تحول عمیق در عرصه‌ی ارتباطات، سهولت در گردش اطلاعات، از بین رفتن موانع جغرافیایی و مرزهای فرهنگی و نیز رشد سطح آگاهی‌های عمومی نسبت به خود و دیگران، همگی از ویژگی‌های فرآیندی است که امروزه به آن روند (جهانی) شدن می‌گوئیم. جهانی شدن روندی است که فرآیند (دولت- ملت) سازی را در عصر ما تحت تأثیر قرارداد و ثمره آن کم رنگ شدن هویت‌های ملی و شکل‌گیری بسترهای مناسب برای تقویت دیگر گونه‌های هویت جمعی یعنی هویت‌های فراملی از یک سو و هویت‌های قومی در سوی دیگر است. آنچه که این بسترهای مناسب را فراهم آورده نگاه تکثرگرایانه در فرآیند جهانی شدن است. اما افول واقعیت و مفهوم دولت ملی در سایه این روند که از جمله عوامل تعمیق مطالبات هویت خواهانه قومی است در کنار ایدئولوژی‌زده شدن هویت در برخی جوامع می‌تواند آغاز یک بحران باشد. باید دانست که هویت ملی در جوامع چند قومی به واقع متشکل از مولفه‌های هویت‌های همه اقوام آن است از این رو ایدئولوژی‌زده کردن یک هویت واحد حتی اگر هویت قوم اکثریت باشد و نادیده انگاشتن هویت‌های قومی دیگر و نگرش سیاسی ایشان در مسائل گوناگون و به دنبال آن عدم مدیریت صحیح نسبت‌های میان اقوام در سایه سیاستگذاری‌های کلان بی‌تردید جامعه را به سوی بحران‌هایی تاسرحد تجزیه کشور پیش خواهد برد، به ویژه آن که مرزنشین بودن اغلب اقوام ایرانی شرایط را برای شکل‌گیری (هویت مرزی) و تحرکات تجزیه طلبانه در کشورمان بیشتر فراهم می‌آورد، اگر بپذیریم که مرزهای سیاسی مفاهیمی اعتباری و فاقد اصلتند که در دو سوی آن (هویت مرزی) شکل می‌گیرد. هویت مرزی آنچنان که داریوش شایگان می‌گوید عرصه اختلاط و تلاقی فرهنگ‌هاست و یا به تعبیر مک لارن، عرصه از زمین‌کنندگی است که فرصت می‌دهد تا سطوح حسی متعددی را درک کنیم. هویت مرزی، هویتی است بین دو حد افراطی هویت‌های ملی و قومی، نوعی آگاهی دو رگه است که گذر از یک سطح از واقعیت و ورود به سطحی دیگر را امکان‌پذیر می‌کند (شایگان: ص ۹۱ و ۱۰۴).

وجود چنین احتمالی بررسی این موضوع و پژوهش پیرامون محتوا و اصالت هویت‌های قومی و میزان تأثیر احتمالی آن بر مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی به عنوان مبنایی در جهت تعامل با ایشان در سیاستگذاری‌های کلان کشور و پرهیز از بحران‌های فراگیر را ضروری می‌سازد.

در این پژوهش به میزان این تأثیر در محدوده دانشجویان دانشگاه تهران می پردازیم. و در این مسیر شدت و عمق نفوذ گونه‌های متفاوت هویت جمعی اعم از هویت ملی و هویت دینی را نیز در کنار هویت قومی خواهیم سنجید.

## پرسش آغازین

تأثیر هویت قومی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران چیست؟

## فرضیه اصلی

در اینجا این فرضیه مطرح است که یک رابطه‌ی جدی میان سطح تعلقات فرد به یک هویت جمعی مشخص و چگونگی مشارکت سیاسی او وجود دارد.

## فرضیه رقیب

فرض رقیب در این پژوهش آنست که؛ رابطه‌ی معنا داری میان سطح و گرایش تحصیلی دانشجویان و چگونگی مشارکت سیاسی ایشان وجود دارد.

## فصل بندی تحقیق

در پاسخ به پرسش این پژوهش و بررسی فرضیات آن ابتدا در فصل اول به ادبیات موضوع و طرح چارچوب نظری می پردازیم. سپس در فصل دوم ساختار مفهومی روش تحقیق را تشریح خواهیم نمود و پس از آن، فصل سوم را به توصیف جامعه نمونه آماری و تحلیل داده‌ها اختصاص می دهیم. در فصل پایانی نیز آزمون فرضیات و نتیجه گیری پایانی خواهد آمد.

## مشکلات پژوهش

از آنجا که گرد آوری داده های این پژوهش از طریق توزیع پرسشنامه صورت گرفته است عموماً جلب اعتماد پاسخ دهندگان در گام نخست عمده ترین مشکلی است که رفع آن متضمن صرف وقت فراوان است. همچنین بواسطه‌ی حساسیت موضوع اخذ مجوز های لازم در تکثیر و توزیع پرسشنامه از دیگر دشواریهای این پژوهش محسوب می شود که همکاری مسئولین ذیربط و تلاش تیم نمونه گیری در جلب اعتماد آنان در نهایت راه را در مسیر انجام این پژوهش هموار کرد.

الای حال عدم امکان دسترسی به پراکندگی محل سکونت و تولد جامعه نمونه از آن حیث که پاسخ دهندگان به سبب شرایط سیاسی حاکم و وجود جو امنیتی موجود به این دو پرسش پاسخی ندادند و نیز مرکز انفورماتیک دانشگاه تهران نیز به دلیل آنکه این اطلاعات را محرمانه تلقی می نماید از ارائه‌ی آن خود داری نمود متأسفانه موجب گردید تا امکان بررسی پیرامون تأثیر شکافهای اقتصادی و اجتماعی و توسعه یافتگی مناطق و استانهای مختلف بر مدل مشارکت سیاسی جامعه نمونه از این پژوهش سلب گردد.

## فصل اول: ادبیات موضوع و چارچوب نظری

نخست و پیش از اشاره به تعریف مفاهیم در این پژوهش آنگونه که ما در نظر داریم نگاهی خواهیم داشت به پیشینه‌ی این پژوهش و چگونگی ادبیات تعریف مفاهیم مورد نظر ما در پژوهشهایی که تا کنون صورت گرفته است:

### پیشینه پژوهش

برخی از متفکران معتقد به وجود بحران هویت در جامعه ایرانی هستند. معمولاً انسان‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند در شبکه هویت‌های گوناگون خود کاملاً بردبار باشند؛ یعنی این هویتها برایشان چنان مساوی باشد که در ذهنشان دو مفهوم هم‌عرض را شکل دهد. چنین اتفاقی بسیار نادر است. انسان معمولاً بین سکولاریسم و دولت دینی یا بین ایمان و کفر فاصله‌ای قائل می‌شود، یا بین ایرانی و عرب بودن. به هر حال انسان‌ها آگاهانه یا ناخودآگاه باعث ترجیحاتی می‌شوند که این ترجیحات، هویتی را در برابر و مشهودتر از دیگر هویت‌های درونی شده در فرد بروز می‌دهد.

در ایران ما نیز پیشینه‌ی کهن تاریخی و تمدنی، سابقه دینداری و وجود اقلیت‌های مذهبی و قومی همگی از عوامل روبرو شدن هویت‌های مختلف در جامعه می‌باشند. جوامعی مثل جامعه ما- که کشورهای جهان سوم یا توسعه نیافته و یا به تعبیری کشورهای در حال رشد نامیده می‌شوند- در جریان گذار هستند، تا وضعیت روشنی را برای خود ترسیم کنند، حالت تثبیت شده‌ای را به لحاظ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشخص کنند، جامعه به یک ثبات و تثبیت مشخصی برسد و تعریف مشخصی از خودش داشته باشد. اگر جامعه‌ای مثل جامعه ما که در حال این حرکت شتاب‌آلود است بتواند بر ضعف‌های عدم بلوغ خود غلبه کند و آمادگی‌هایی را برای برداشتن مسئولیت‌های ورود به دوره بلوغ به لحاظ اجتماعی کسب کند، امکان کسب یک هویت هماهنگ و نوین را می‌یابد.

جوان امروزی به دلایل مختلفی از قبیل: نظام نوین و ناکارآمدی آموزش و پرورش، عدم قبول قابلیت‌ها در نظام‌های خانوادگی، بیکاری، تأخیر در ازدواج، فقدان فلسفه و معنای ارضا کننده زندگی و در نهایت سکولاریسم دستخوش بحران هویت در سطح فردی و اجتماعی است (قنبری، ۱۳۸۳).

دینداری جامعه ایران نیز زمینه ساز بحران هویت آن خواهد بود؛ چرا که رابطه دین با مسئله پیشرفت تعریف و تبیین نشده است. اگر در جامعه، افراد به این جمع بندی برسند که دینداری مساوی با عقب ماندگی است، این مسئله بحران هویت ایجاد می کند. متأسفانه علی رغم بیداری مسلمین و ملت ایران در یک صد و پنجاه سال اخیر، هنوز نتوانستیم به گونه‌ای روشن و خوب نسبت دین با توسعه را مشخص کنیم لذا نوعی نوسان در جامعه ما وجود دارد (باقری، ۱۳۸۳).

لایه دوم بحران هویت در ایران آن است که میان دو رقیب لیبرالیسم و اسلام، فضای مشترک، بسیار محدود است. این رقابت در شرایطی است که بسیاری از وجوه زندگی مردم ایران با مبانی لیبرالیستی شکل گرفته است. از جمله می توان به پایه های تفکرات اقتصادی، نظام اداری، سیستم بودجه بندی، مفصل بندی اتصالات اقتصادی با نظام بین المللی، نظام آموزشی و دانشگاهی و بخشی از فرهنگ عمومی که در طی دو قرن گذشته به ایران وارد شده است. به نظر می رسد فضای مشترک میان اسلام و لیبرالیسم چه در جهان بینی و چه در راه و روش‌ها و جزئیات، بسیار اندک است. در اسلام قوانینی وجود دارد و عمل به خلاف آنها، «گناه» محسوب می شود. در لیبرالیسم اصل بر تنوع و تحمل تنوع است و اصولاً اکثر مسائل قابل مناقشه هستند. (منصور نژاد، ۱۳۸۳).

علت دیگری که موجب مفروض پنداشتن بحران هویت در ایران می شود وجود اقوام مختلف و هویت های قومی در کشور است. شکسته شدن سه باره ساختار قدرت در کمتر از یک قرن در کشور (انقلاب مشروطیت، جنگ جهانی دوم و انقلاب اسلامی) زمینه ساز طرح و شکل گیری ساختارهای کوچک منطقه‌ای بر اساس همبستگی های قومی شده است. از سوی دیگر فرآیند جهانی شدن ضربه های مهلکی به ساختار اقتدار ملی و هویت ملی وارد آورده است، که شکسته شدن این گونه ساختارها نیز زمینه ساز تقویت هویت های قومی می شود، به ویژه آنکه حضور امریکا و دیگر کشورهای قدرتمند در منطقه و استراتژی آنها برای تضعیف حکومت مرکزی ایران در جهت تقویت قومی بوده است. حتی

در انقلاب مشروطیت که هویت ملی مطرح شد، انواع متعدد هویت ملی آرمانی و ملت‌گرایی نظیر ملی‌گرایی لیبرال، ملی‌گرایی فرهنگی و زبانی، ملی‌گرایی شیعی، ملی‌گرایی شاهنشاهی، ملی‌گرایی نژادی و ملی‌گرایی چپ به وجود آمدند که در مقابل هم ایستادند و خود موجب تضعیف هویت ملی واحد در سراسر کشور شدند و این چندگانگی‌ها همچنان ادامه دارد و زمینه ساز بحران هویت خواهد بود (قادری، ۱۳۸۳)

مساله دیگر به هویت‌های چندگانه مربوط می‌شود. معمولاً افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی الزاماً به یک هویت وابسته نیستند و می‌توانند هویت‌های مختلفی را مثل هویت قومی، هویت دینی و هویت ملی بپذیرند. بنابراین، یکی از معضلات هویت، وجود هویت‌های مضاعف است.

اکثر کسانی که این بحث را در ایران به کار می‌برند، منظورشان بیشتر معطوف به بحران هویت ملی است؛ در حالی که این نظریه به طور کلی و در اصل به بحران هویت‌های جمعی اشاره می‌کند. بحران‌ها بیشتر در این سطوح وجود دارد؛ نه در سطح ملی. گذشته از آن، این بحران‌ها بیشتر در سطح نخبگان مطرح است تا در سطح گسترده اجتماع. با این وجود پژوهش‌های انجام شده در زمینه هویت‌های جمعی از جمله هویت قومی، دینی و ملی در ایران عموماً به دو صورت انجام شده‌اند. برخی از پژوهش‌ها اسنادی-تحلیلی هستند و برخی به صورت پیمایشی انجام شده‌اند. در تحقیقات اسنادی-تحلیلی، نویسندگان با اتکا به اسناد و مدارک تاریخی به تحلیل عناصر و مؤلفه‌های هویت قومی، دینی و ملی در ایران پرداخته‌اند و در تحقیقات پیمایشی، محققان در ابتدا برخی مؤلفه‌ها را به عنوان عناصر هویت قومی، دینی و ملی در نظر گرفته و در جامعه آن را سنجش کرده‌اند. در این پژوهش در بررسی ادبیات موضوع سعی شده هر دو دسته این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گیرند.

## ۱- پژوهش‌های پیمایشی

۱-۱- افسر رزاری فر، در تحقیق خود با عنوان «بررسی مفهوم هویت جمعی و جایگاه هویت ملی در شهر مشهد با تأکید بر تأثیر دو عامل عام‌گرایی و عدالت توزیعی بر هویت جامعه‌ای»، ابعاد چهارگانه هویت شامل ارزش‌های ملی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های جامعه‌ای و ارزش‌های انسانی را

در دو سطح عاطفه‌ی تعمیم یافته و تعهد تعمیم یافته بررسی کرده است. جامعه آماری تحقیق، ساکنین ۱۸ سال به بالای مناطق ده گانه شهرداری مشهد می باشند که از میان آنها ۳۰۰ نفر با استفاده از روش سهمیه‌ای به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شده اند. ابزار گردآوری اطلاعات و پرسشنامه شامل طیف «لیکرت» بوده است. روش های آماری برای تحلیل اطلاعات عبارتند از: ضریب همبستگی دو متغیری «پیرسون» برای تحلیل داده های سطح فاصله ای، «آزمون T» برای متغیرهای اسمی و فاصله ای، «رگرسیون» چند متغیری برای تعیین سهم هر یک از متغیرها، «تحلیل مسیر» و «آزمون معنی دار F, T» برای مشخص شدن سطح معنی داری ضرایب همبستگی.

یافته های اصلی تحقیق به شرح زیر بیان شده است:

از بین عناصر چهارگانه هویت، ارزش های جامعه‌ای بیشترین و ارزش های کلی کمترین نمره را دارند و البته تفاوت چندانی بین میانگین ارزش های چهارگانه وجود ندارد. همچنین تعلق خاطر به ارزش های ملی بیش از ارزش های دینی است. بین ابعاد چهارگانه هویت ملی، عام گرایی و عدالت توزیعی رابطه وجود دارد.

میزان پایبندی عملی کمتر از میزان هویت جمعی است. میانگین کل هویت ملی در مشهد ۷۵/۴۳، میانگین نظری (عاطفه تعمیم یافته) ۷۴/۵۴ و میانگین پایبندی عملی (تعهد تعمیم یافته) ۷۰/۵۶ می باشد.

در خصوص متغیرهای مستقل تحقیق، عام گرایی دارای میانگین ۷۱/۶۸ و عدالت توزیعی ۴۸/۸۱ می باشد که بیانگر ضعف احساس عدالت توزیعی میان پاسخ گویان است.

۱-۲- حسین آقا زاده در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه شناختی ابعاد هویت دانشجویان» هویت را به اجزاء هویت دانشجویی و هویت ملی / محلی تفکیک کرده است. یافته های تحقیق عبارتند از: بین هویت دانشجویی و نیز هویت ملی محلی دانشجویان با وضع اقتصادی- اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؛

بین هویت دانشجویی و نیز هویت ملی محلی دانشجویان با میزان تبعیضات ارتباط وجود ندارد.

بین هویت دانشجویی و نیز هویت ملی - محلی دانشجویان با اجتماعی شدن آنان در دانشگاه رابطه وجود دارد.

۳-۱- محمدباقر آخوندی در تحقیق خود با عنوان «بررسی هویت ملی- مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن»، به بررسی رابطه بین تعاملات اجتماعی و شکل گیری هویت ملی و مذهبی پرداخته است. تعاملات اجتماعی با شاخص هایی نظیر اعتماد متقابل میان جوانان و خانواده، شرکت خانواده و دوستان در مناسک ملی و مذهبی، نحوه گذران اوقات فراغت و غیره سنجیده شده است. هویت ملی و مذهبی نیز هر یک در دو بعد پایداری نظری و عملی و در نهایت ترکیب این دو به عنوان شاخص هویت دینی- ملی سنجیده شده است. بعد نظری هویت براساس باور و اعتقاد به هویت و بعد عملی بیشتر بر مبنای پایداری عملی به مناسک و مؤلفه های هویت تعریف شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جوانان دختر و پسر ۱۹-۲۴ ساله ساکن شهر مشهد بوده که از میان آنان ۴۶۴ نفر با استفاده از روش نمونه گیری طبقه‌ای با تخصیص متناسب به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شده اند. با استفاده از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر، داده ها، تحلیل و یافته های تحقیق به شرح زیر بیان شده است:

پایداری نظری جوانان به هویت ملی و پایداری عملی آنان به هویت مذهبی از سایر ابعاد قوی تر بوده است.

در مجموع هویت ملی بیش از هویت مذهبی در جوانان تقویت شده است. بیشترین تأثیر بر هویت ملی را هویت مذهبی داشته؛ به نحوی که این دو ۵۶ درصد تغییرات یکدیگر را تبیین می کنند. در مورد هویت ملی مهم ترین متغیرهای مؤثر به ترتیب عبارتند از: شرکت فرد در مناسک ملی، تماشای برنامه های ایرانی از تلویزیون، گفتگو درباره هویت ملی در محیط خانواده و مشورت جوانان با خانواده در امور زندگی.

مهم ترین متغیرهای مؤثر بر هویت دینی به ترتیب عبارتند از: شرکت در مناسک مذهبی، گفتگو پیرامون مذهب در خانواده، تماشای برنامه های خارجی تلویزیونی، ویدئو و ماهواره (تأثیر منفی)، برگزاری مراسم مذهبی در منزل و عضویت در گروه ها و تشکل های مذهبی.



۴-۱- جعفر ربانی، در پژوهشی با عنوان «سنجش هویت ملی در بین دانش آموزان تهرانی»، پس از بررسی برخی دیدگاه های فلسفی و جامعه شناختی پیرامون موضوع هویت به بررسی هویت ملی در میان ۳۹۰ نفر از دانش آموزان تهرانی پرداخته که از میان کل دانش آموزان مقطع سوم دبیرستان در سه منطقه شمال، جنوب و مرکز شهر انتخاب شده اند. شاخص های هویت ملی در دو بعد سیاسی- اجتماعی و فرهنگی و در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری بررسی شده اند که شامل: آگاهی از جامعه بزرگ ایران، احساس همبستگی با این جامعه و فداکاری در راه آن می باشند. هدف تحقیق بررسی میزان وقوف و پایبندی دانش آموزان مورد مطالعه به هویت ملی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن معرفی شده است. مهم ترین یافته های تحقیق به شرح زیر ارائه شده اند:

هویت ملی میان پاسخ گویان در حیطه عاطفی قوی تر از حیطه رفتاری و نیز در حیطه رفتاری قوی تر از حیطه شناختی است.

بعد سیاسی- اجتماعی هویت میان جوانان در مرتبه پایین تری نسبت به بعد فرهنگی هویت است. میزان گرایش جوانان به هویت ملی در حد نسبتاً قابل قبولی است. میانگین نمره مربوطه ۷۵ درصد است.

بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایش به هویت ملی رابطه وجود دارد. طبقات پایین جامعه گرایش نیرومندتری به هویت ملی نشان می دهند. کسانی که ارتباط ذهنی و عاطفی با غرب دارند در مقایسه با دیگران گرایش ضعیف تری به هویت ملی دارند.

جنسیت در گرایش به هویت ملی مؤثر نیست، در حالی که قومیت تأثیر معنی داری بر این گرایش برجای می گذارد.

۵-۱- سکینه طالبی، پژوهشی با عنوان «تحول هویت ملی دانش آموزان دختر دوره های تحصیلی ابتدایی» انجام داده است. بر اساس نتایج این تحقیق که بر روی یک نمونه ۲۴۰ نفری از دانش آموزان چهار منطقه ۶، ۴، ۱۲، ۱۸ آموزش و پرورش تهران - که با روش نمونه گیری خوشه‌ای

تصادفی انتخاب شده اند- انجام شده است؛ هویت ملی بر اساس ۵ مؤلفه به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است که این مؤلفه ها عبارتند از:

احساس رضایت از ایرانی بودن  
علاقه به زندگی در ایران  
علاقه مندی به میراث فرهنگی و آثار برجای مانده از ایران باستان  
اعتقاد به توانایی مردم در حل مشکلات خود  
عدم احساس حقارت فرهنگی در برابر بیگانگان

جهت تحلیل داده ها از آزمون مجذور کای و کرایکال والیس استفاده شده است. یافته های تحقیق عبارتند از:

حس تعلق به هویت ملی میان دانش آموزان مقطع ابتدایی در سطح پایینی است، این امر احتمالاً ناشی از عدم شکل گیری ادراک روشن از هویت ملی در دانش آموزان این مقطع است. در مقاطع راهنمایی و متوسطه این احساس در حد بالایی است.

احساس هویت ملی میان مقاطع سه گانه دارای تفاوت معنی داری می باشد. بدین ترتیب که در هر مقطع نسبت به مقطع قبلی در سطح بالاتری قرار دارد.

نکته: محقق محترم مشخص نکرده است احساس هویت به تفکیک مؤلفه های مورد نظر چگونه است؟

۶-۱- محمد عبدالمهی، در پژوهشی با عنوان «هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران» به طرح این پرسش پرداخته که هویت جمعی در جامعه ایران چیست؟ یعنی مردم ایران خود را در درجه اول متعلق و منتسب به کدام واحد جمعی می دانند و خود را با کدام «ما» تعریف می کند؟

برای پاسخ به سؤال فوق محقق به بررسی داده های حاصل از یک تحقیق تجربی بر روی نمونه هایی از سه نظام اجتماعی، عشایری، روستایی و شهری پرداخته و به نتایج زیر دست یافته است:  
در جامعه ایلی، ۷۳ درصد از رؤسای خانواده ها دارای هویت خانوادگی و خویشاوندی و ۲۷ درصد هویت هم ملی و هم قومی هستند.

در جامعه روستایی، ۱۴ درصد افراد مورد بررسی دارای هویت جمعی در سطح هم خویشاوندی، ۶۳ درصد هم روستایی و ۲۳ درصد هم شهری هستند.

در جامعه شهری، هویت اجتماعی ۱۳ درصد از افراد در سطح هم خویشاوندی، ۱۰ درصد هم طایفه، ۳۱ درصد هم قوم، ۱۳ درصد هم هم شهری، ۱۳ درصد هم مذهب، ۱۳ درصد هم میهن و ۳ درصد هم نوع است.

به طور کلی، همه خانوارهای مورد بررسی در جامعه عشایری، ۸۰ درصد خانواده ها در جامعه روستایی و بیش از ۵۰ درصد خانواده ها در جامعه شهری دارای هویت های کوچک و خاص گرایانه می باشند. در مجموع :

۱. سطح هویت جمعی در جامعه ایران بسیار نازل، کوچک و خاص گرایانه است؛

۲. هویت جمعی عام در سطح کشور، یعنی هویت جامعه‌ای یا ملی- مذهبی در جوامع ایلی و روستایی بسیار ضعیف است. چنین به نظر می رسد که افراد، پایبند ارزش ها و هنجارهای خاص گرایانه فامیلی و قومی خود هستند و در فعالیت های روزمره مصالح و منافع قومی و فامیلی را بر مصلحت و منافع عام و مصالح ملی ترجیح می دهند.

۷-۱- حبیب احمدلو در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز» درصدد پاسخ گویی به این سؤالات است:

میزان گرایش به هویت قومی در بین جوانان ترک چقدر است؟

میزان گرایش به هویت ملی در بین آنها چقدر است؟

آیا بین میزان هویت قومی و میزان هویت ملی جوانان رابطه‌ای وجود دارد؟

نتایج پژوهش او نشان می دهد افراد دارای هویت های گوناگونی هستند و این هویت ها لزوماً در مقابل همدیگر قرار نمی گیرند. افراد از هویت های گوناگون خود به عنوان بسته های اطلاعاتی استفاده کرده و در موقعیت های کنشی مقتضی از آنها سود می جویند. هویت ملی و هویت قومی نیز دو نوع هویت جمعی هستند که افراد در طی اجتماعی شدن، آنها را درونی کرده و جزئی از شخصیت

خود را می سازند و از آنان در موقعیت های مقتضی استفاده می کنند بنابراین آنها تناقضی بین این دو نوع هویت درک نمی کنند.

۸-۱- مراد کاویانی راد در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی، مطالعه موردی قوم بلوچ» سعی کرده است عناصر هویتی هم گرا و واگرای قوم بلوچ را با ملت ایران مورد بررسی قرار دهد. فرضیات او در این پژوهش عبارتند از:

مشترکات قوم بلوچ با ملت ایران در حوزه های تاریخ، قوم، نژاد و فرهنگ است.

تفاوت ها و تمایزات قوم بلوچ با ملت ایران متأثر از حوزه های مذهب، ساخت اجتماعی، فاصله جغرافیایی و غفلت دولت مرکزی است.

دنباله قومی بلوچ در خارج از کشور از طریق تقویت میل درون قومی و کاهش علایق ملی باعث تقویت نیروهای گریز از مرکز در این منطقه از ایران می شود.

وی در پایان نتیجه می گیرد: ایران کشوری با تنوع نامتجانس قومی و مذهبی است. عوامل متعددی موجبات واگرایی و همگرایی این قوم را نسبت به هم فراهم ساخته است. قوم بلوچ در جنوب شرق ایران که دنباله قومی آن به خارج از کشور کشیده شده به جهت مؤلفه هایی نظیر قومیت، مذهب، دوری از مرکز و غیره کمتر در تحولات بزرگی که حداقل در سده اخیر کشور را متأثر ساخته نقش عمده ای ایفا کرده، این عدم مشارکت میزان همگرایی این قوم با ملت ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

۹-۱- مسعود چلبی در پژوهشی با عنوان «هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه ای» هویت را متشکل از دو بخش دانسته است: نخست «ما» خودمان را چطور می بینیم و دوم «دیگران» ما را چگونه می بینند. در این معنای دوگانه، «ما- آنها» اساس هویت ملی را تشکیل می دهد و همه عناصری که سبب تثبیت «ما بودن» (ایرانی بودن) و تمایز «ما از دیگران» (غیر ایرانی بودن) می شود، جزء عناصر هویت ملی ایرانی به حساب می آیند. از نظر چلبی این عناصر که خصلتی نمادین و فرهنگی دارند، عبارتند از: زبان فارسی، دین اسلام، مناسک دینی و ملی، مفاخر تاریخی و فرهنگی، مردم، سرزمین و دولت ملی. از نظر چلبی دل بستگی و مباحثات نسبت به عناصر مذکور احساس هویت